

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۹

جمعه ۹ فروردین ۹۸، ۲۹ مارس ۲۰۱۹

### علیه فاجعه سیل و

### علیه فاجعه جمهوری اسلامی!

(اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

فاجعه سیل هر روز ابعاد دهشتناک تری بخود میگیرد. دههانفر جان باختند، هزاران نفر در استان های

گلستان و فارس و خوزستان و لرستان هست و نیست خود را از دست داده اند و چندین استان دیگر در معرض خطر سیل قرار دارند. این صرفا یک سانحه طبیعی نیست، یک فاجعه سیاسی اجتماعی است. جمهوری اسلامی نه تنها هیچ اقدام پیشگیرانه و بعد از وقوع این فاجعه کوچکترین اقدامی برای رسیدگی به وضعیت قربانیان آن انجام نداده است بلکه خود با جنگل خواری و زمین خواری و خانه سازی در حریم و بستر رودخانه ها و مسدود کردن مسیل ها و عدم رسیدگی به وضعیت سدها و آبگیرها و غیره عامل اصلی در ایجاد فاجعه سیل بوده است. در این مورد نیز مثل همه موارد دیگر هدف و اساس سیاستهای حکومت نه امنیت و آسایش مردم بلکه پر کردن

سیل و عواقب آن همچنين يكبار ديگر اهميت همبستگي و سازمان يافتن ما مردم براي حل و فصل مسائل خود را برجسته ميکند.

چند ماه قبل در اوج اعتصاب کارگران هفت تپه صفحه ۱۴

### کمک مالی به حزب، لیست ۵

صفحه ۱۶

### اطلاعیه ها در صفحات ۱۴ تا ۱۶

## دغدغه مقامات دزدی، کنترل حجاب و سرکوب است نه رسیدگی به نیازهای سیل زدگان

گفتگو با اصغر کریمی درمورد سیل در استان های کشور

صفحه ۲

## نشست با دو اتحادیه کارگری در کانادا

گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه

صفحه ۵



## قطعنامه نشست رئیس شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و هیئت فریدم ناو

صفحه ۴

نشست مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و خدمات کانادا با هیئت "فری دمر ناو"

صفحه ۶

جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود!

نشست مشترک دبیر کل اتحادیه کانادایی با هیئت "فری دمر ناو"

صفحه ۸

محکومیت شلاق و شکنجه علیه زندانیان در ایران!

## کارگران در هفته ای که گذشت:

طومار حمایت از اسماعیل بخشی

اسماعیل بخشی: بیایید در رنجها بر رنج ها بخنیدیم

چهار پیام نوروزی نمونه: جای هیچ انسان آزادیخواهی در زندان نیست

نوروز و دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی

(شهلا دانشفر)

صفحه ۹

## بازتاب هفته:

سیلی که آمد و مقایسه دو بودجه - شهاب بهرامی

روحانی به سیل زدگان: خدا این مصیبت را جبران خواهد کرد! - حسن صالحی

صفحه ۱۰

شایعه سیل - کیوان جاوید

## پایان خلافت داعش و پیامدهای آن

مصاحبه با محمد آسنگران

صفحه ۱۱

سیل و زلزله: خانه خرابی برای مردم، سود برای دزدان حاکم

میوه ی تلخ درخت اصلاح طلبی

سال ۹۸، سالی که بساط رژیم می تواند بر چیده شود!

صفحه ۱۳

(آرش دشتی)

جایزه دفاع از آته ایسم در لندن به مینا احدی داده شد

صفحه ۱۶

## گفتگو با اصغر کریمی در مورد سیل



اصغر کریمی

وقوع سیل در شماری از استان های ایران با تلفات انسانی و خسارات سنگین به همراه بوده است. در حالیکه مردم با صدمات ناشی از این فاجعه گرفتار شده اند، صحبت از قریب الوقوع بودن سیل در استان های دیگر و در تهران میشود. در این رابطه با اصغر کریمی صحبت میکنیم.

**خلیل کیوان:** انتقادهای گسترده ای نسبت به حکومت در میان مردم و در مدیای اجتماعی و مطبوعات در جریان است. مردم رژیم را مسئول فاجعه سیل و پیامدهای آن می دانند. در اطلاعیه حزب هم به این مساله پرداخته شده است. این فجایع تا چه حد امری طبیعی و به چه میزان در نتیجه سیاست های حکومت میباشد؟

**اصغر کریمی:** اجازه بدهید با چند مثال پاسخ این سوال را بدهم. امام جمعه شیراز گفته است شهرداری مسیر سیل را تبدیل به بلوار کرده است. شمخانی گفته است هم بخش خصوصی، و هم بخش دولتی در واقعه شیراز مقصرند. شهرداری شیراز اما گفته است که چندین بار به سپاه در مورد مسدود کردن مسیل رودخانه جهت ساختمان سازی اخطار دادیم ولی بازرسان، ما را بازداشت کردند

و حتی به بازرسان دادگستری فارس اجازه بازدید از پادگان سپاه زنگی را ندادند. آیا جای شکی در اینکه خود حکومتیان مسئول فاجعه شیراز هستند باقی میماند! راه خروجی سیل را بسته اند و سیل بر سر مردم خراب شده است. در استان گلستان نیز موقعی که مردم تهدید کردند که اگر حکومت اقدام نکند خودمان خط راه آهن را تخریب میکنیم تا آب راه خروجی پیدا کند، یک ارگان نظامی با تاخیر زیاد با تخریب بخشی از راه آهن مسیر خروج آب را باز کرد و با این اقدام آبی که خانه و زندگی مردم آق قلا را گرفته بود مقداری فروکش کرد. بعلاوه اکنون معلوم شده است که تعدادی از آیت الله ها و مقامات حکومتی سالها مشغول جنگل خواری بوده اند که این هم یک عامل موثر سرازیر شدن سیل بوده است.

طبق آمارهای مختلف میلیون ها هکتار از مساحت جنگل ها و مراتع کشور در طول حیات جمهوری اسلامی نابود شده است. علاوه بر اینها، مردم سدهای زیادی در نقاط مختلف کشور بصورت غیر کارشناسانه ساخته شده و بخاطر سودجویی مقامات سطح آب این سدها بالا نگهداشته شده و اکنون با آمدن باران سرریز شده است. مقاماتی اعتراف کرده اند که تعدادی از سدها کهنه است و خطر شکستن آنها وجود دارد و در صورت شکستن آنها ابعاد فاجعه به مراتب بیشتر از فاجعه کنونی خواهد بود. اینها را هم خیلی از مردم میدانستند و هم فعالین محیط زیست بارها هشدار

#WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran

## سرنگون باد جمهوری اسلامی!



جمهوری اسلامی با جنگل خواری و زمین خواری و خانه سازی در حریم و بستر رودخانه ها و مسدود کردن مسیل ها و عدم رسیدگی به وضعیت سدها و آبگیرها و غیره عامل اصلی در ایجاد فاجعه سیل بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

www.wpiran.org  
www.facebook.com/wpinternational

@wpiran  
f

شهر و استان مقابل با حجاب و اعتصاب و اعتراض تعریف شده است. کشاندن مردم به مسجد و نماز جمعه، برای اوباش حاکم و مقامات شهری و استانی آنها، اولویت بیشتری نسبت به مسائل و مشکلات واقعی مردم دارد. رقابت باندهای مختلف حکومت در پر کردن جیب های خود فاکتور مهمتری برای مقامات ریز و درشت حکومت است. با این توصیفات بحث را به ضعف مدیریت نسبت دادن امتیاز دادن به حکومت است. حکومتیان مشکل را در مدیریت و این کابینه و آن مدیر کابینه و این مدیر و آن مدیر از جناح مقابل ربط میدهند تا نظام را از زیر ضرب صفحه ۳

تاسیسات اتمی میزند و ادعا میکند که ماهواره به فضا پرتاب میکند و به آخرین صنایع تسلیحاتی خود را مجهز کرده است، نه آمادگی دارد و نه حاضر است مردم سیل زده را بسرعت از مناطق خطر دور کند و آنها را در جای مناسبی اسکان دهد و به تغذیه و نیازهای درمانی آنها رسیدگی کند.

از مدیریت بحران صحبت میکنند. اما مشکل همانطور که گفته شد از مدیریت نیست. خانه از پای بست ویران است. اما در زمینه مدیریت هم جمهوری اسلامی کارنامه کاملاً سیاهی دارد. مهمترین وظایف استانداران و فرمانداران و سایر مقامات

داده بودند. اما حکومت بجای پاسخگویی آنها را روانه زندان کرد.

همین چند مثال بخوبی نقش تعیین کننده دولت در ایجاد این فاجعه را نشان میدهد. به این مساله خانه های با کیفیت پایین که با فقر و بدبختی ساخته میشود و با هر سیل و زلزله ای روی سر مردم خراب میشود را هم اضافه کنید.

اما پیشگیری یک بخش مساله است و رسیدگی به مصیبت هایی که در جریان این سیل و سیل ها و زلزله های قبلی اتفاق افتاده اند یک وجه دیگر مساله است که اینجا دیگر طبیعت کاملاً بیگناه است. حکومتی که دست به ایجاد

## گفتگو با اصغر کریمی در مورد سیل

تا در آینده لطامت ناشی از این نوع حوادث به حداقل ممکن کاهش یابد؟

**اصغر کریمی:** مهمترین تغییر ریشه ای برای مقابله با لطامت ناشی از سیل و زلزله جراحی حکومت اسلامی از جامعه است. و هر مبارزه و متحد شدن و متشکل شدن و همیاری مردمی و همبستگی با مردم آسیب دیده را نیز باید بعنوان بخشی از همین جراحی ارزیابی کرد.

جمهوری اسلامی فعالین محیط زیست را سالها است دستگیر میکند و آنها را متهم به جاسوسی میکند. با جاری شدن سیل در استانهای کشور نیز جمع آوری کمک مالی از طریق نهادهای مردمی را ممنوع اعلام کرده و خط و نشان کشیده است که کسانی که بزرگنمایی میکنند تحت تعقیب قرار میگیرند. در جریان زلزله بم و ورزقان و سر پل زهاب تا توانست از حضور مردمی که همراه با کمک های جنسی میرفتند تا به زلزله زدگان کمک کنند جلوگیری کرد. اینها بخشی از اقدامات حکومتی است که نه به فکر پیشگیری است و نه به فکر کمک رسانی موثر و جلو مردم را هم تا میتواند سعی میکند بگیرد. کمتر حکومتی اینچنین وقیح و رذل و ضد مردمی بوده است.

مردم البته گوششان بدهکار نیست. دارند خبررسانی میکنند، با جمع آوری کمک و حضور مستقیم خود در مناطق آسیب دیده به یاری هموعانشان میروند و انساندوستی خود را به نمایش میگذارند. تیم های امداد و کاروانهای کمک از استانهای

اعتراض و انتقاد مردم بیرون ببرند. دستگیری فعالین محیط زیست و بی توجهی به هشدارهای آنها و یا ممنوع کردن کمک رسانی مستقیم مردمی به سیل زدگان ربطی به مدیریت ندارد. هنوز پس از شانزده ماه از زلزله در غرب کشور، پنجاه درصد زلزله زدگان سر پل زهاب طبق گفته یکی از نمایندگان مجلس اسلامی، در چادر و کانکس زندگی میکنند. این مربوط به نظام فاسد و دزدسالار اسلامی است.

ما با یک نظام دزدسالار اسلامی مواجهیم. در تمام طول چهل سال حاکمیت اسلامی و در دوران تمام رئیس جمهورها و مقامات مختلف وضع بر همین منوال بوده است. نتیجه چنین حاکمیتی بهتر از این نمیتواند باشد. ابعاد بالقوه فاجعه، مثل شکستن سدهای کهنه در خوزستان تا زلزله در شهرهایی مانند تهران و اصفهان صدها بار بزرگتر از این حرف ها است. در یک کلام عامل کل فجایعی که با هر سیل و زلزله ای نصیب مردم میشود، نه گرمایش کره زمین (گلوبال ورمینگ) و تغییرات آب و هوایی، بلکه تماما جمهوری اسلامی است.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری حکومت را بخاطر جلوگیری از کمک های مستقیم مردمی به سیل زدگان محکوم کرده است و در عوض مردم را به همیاری با سیل زدگان فراخوانده است. در همبستگی با سیل زدگان و برای کمک به آنها چه کارها و اقداماتی می توان صورت داد؟ چه تغییرات ریشه ای باید در کشور صورت گیرد

#WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran



### سیل و عواقب آن یکبار دیگر اهمیت همبستگی و سازمانیافتن ما مردم برای حل و فصل مسائل خود را برجسته میکند.

چند ماه قبل در اوج اعتصاب کارگران هفت تپه اسماعیل بخشی پرچم شوراها را برافراشت، از اداره هفت تپه بوسیله شورای کارگران سخن گفت و بدنیال آن اداره شورائی به گفتمان دانشجویان و فعالین جنبشهای اعتراضی تبدیل شد. تجربه سیل یکبار دیگر ضرورت و مطلوبیت اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. اگر مردم امور را در دست داشتند، حوادثی نظیر سیل اخیر در چنین ابعادی اتفاق نمی افتاد و چنین عوارض و عواقب دهشتتاکمی نمیداشت.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیلزدگان!  
سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد حکومت شورائی!

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

www.wpiran.org @wpiran  
www.facebook.com/wpinternatinal

دست داده اند و همینطور محاکمه کلیه مقامات و مسئولانی است که عامل قربانی کردن دهها نفر از مردم، مصدوم شدن صدها نفر و سایر مصائب مردم شده اند. تعدادی از مقامات تحت فشار مردم دارند اعتراف میکنند که دولت عامل مستقیم فجایع سیل در شیراز و گلستان بوده است. حال که خود مشغول اعتراف به نقش جنایتکارانه خود هستند، باید حساب هم پس بدهند و این کار مردم را راحت تر میکند. این باید حرف مردم باشد که خودتان اعتراف میکنید، بنابراین غرامت ها را هم تماما جبران کنید و عوامل مسئول را محاکمه کنید. بنظر من اعتراض مردم با گذشت زمان عمیق تر میشود. حکومت به سادگی حاضر نیست سر کیسه را شل کند و به مردم غرامت بپردازد، باید اعتراض را گسترش داد و همبستگی با سیل زدگان را همه جا شکل داد. سیل زدگان باید میزان خسارت به خود را روشن کنند و اعلام کنند و از حکومت غرامت بخواهند و کوتاه نیایند. نهادها و تشکل های مختلف کارگری و معلمان و

مناطق اطلاع رسانی کرد و نیازهای فوری هر بخش از سیل زدگان را به اطلاع جامعه رساند. خود سیل زدگان با پر کردن کلیپ و افشای بی توجهی حکومت نقش مهمی تا این لحظه داشته اند.

اما علاوه بر همیاری که تاثیر بسیار مهمی در کاهش مشقات سیل زدگان دارد، باید حکومت را تحت فشار گذاشت تا امکانات مالی و انسانی لازم را برای رفع مشکلات سیل زدگان تخصیص دهد. امکانات اقتصادی و تجهیزاتی مانند بال گردها و غیره در قبضه حکومت است. باید در سطح سراسر کشور به هر شکل ممکن دست به تجمع زد و اعتراض کرد، بیانیه داد و فشار را بر حکومت بیشتر کرد. کمترین خواست مردم کمک رسانی فوری و با تمام امکانات به سیل زدگان و اسکان آنها در بهترین امکانات موجود از هتل ها تا ویلاهای مقامات و آیت الله ها، رسیدگی فوری به تغذیه و نیازهای گرمایشی و درمانی سیل زدگان، پرداخت کامل غرامت به دهها هزار نفر از مردمی که دار و ندارشان را از

مختلف بطرف سیل زدگان شمال روانه شده است. در شیراز خانه هایشان را در اختیار سیل زدگان قرار داده اند. نهادها و شبکه های همیاری در دانشگاه ها و بسیاری از نقاط دیگر شکل گرفته است. هم سیل زدگان و هم فعالین بسیاری دارند خبررسانی و به روایت حکومت "بزرگنمایی" میکنند و مشکلات سیل زدگان و نیازهای فوری آنها را به اطلاع افکار عمومی میرسانند. حکومت از همه اینها وحشت دارد. از تماس مردم با هم و شکل گرفتن همبستگی وحشت دارد و از افشای مشکلات مردم نگران است چون خود کارنامه مثبتی ندارد. اما حکومت توان کنترل نیمی از بدنه خود را هم ندارد چه برسد به کنترل مردم.

باید شبکه های همبستگی را گسترش داد. هرچه بیشتر به جمع آوری کمک پرداخت و با اعزام تیم های کمک رسانی به مناطقی که سیل زدگان نیاز دارند به یاری آنها شتافت. باید از شرایط در هر منطقه و بی توجهی حکومت لحظه به لحظه و از همه

از صفحه ۳

## گفتگو با اصغر کریمی در مورد سیل

نوع حوادث برجسته میشود که مردم خود دست به کار میشوند. اگر این حکومت یک ذره احساس مسئولیت داشت باید از این آمادگی انسانی استقبال میکرد. اما جمهوری اسلامی درست عکس آن عمل میکند. سیل و زلزله تاسفانه باز هم اتفاق می افتد به هر درجه گفتمان شورایی و تجربه کار شورایی جا افتاده باشد مردم آماده تر و موثرتر شروع به سازماندهی کمک میکنند و مصائب را کاهش میدهند. باید گفتمان اداره شورایی را با تمام قوا دامن زد. بعنوان یک اقدام فوری در مناطق سیل زده مردم باید بصورت شورایی متشکل شوند، نمایندگان انتخاب کنند و بخواهند که کلیه کمک ها زیر نظر خود آنها میان سیل زدگان توزیع شود. در دل این اتفاقات که مردم به حرکت درمیایند باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورایی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فجایی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد و چپاول و بی تامینی و فقر و بیحقوقی که در جامعه بیداد میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورایی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.\*

نویسندگان و بازنشستگان و دانشجویان و نهادهای مربوط به محیط زیست و غیره همه موظفند این مساله را به یک موضوع دائمی تجمعات و اعتراضات خود تبدیل کنند و این خواست ها را به گفتمان وسیع مردم تبدیل کنند. مسائل و مشکلات زلزله زدگان در سالهای گذشته را نیز باید دوباره زنده کرد. معضلات مردم شامل با مرور زمان برطرف نشده که کهنه شده باشد.

**خلیل کیوان:** فاجعه سیل، منجر به سیل دیگری شده است؛ سیل انتقاد سیاسی علیه حکومت، سیل خشم و اعتراض به حکومت. مردم با هشتگ "سیل دولت را ببرد" حکومت را مسئول این وضعیت می دانند. بار دیگر گفتمان اداره شورایی مطرح است. جایگاه این اعتراضات و گفتمان شورایی را در اوضاع فعلی چگونه می بینید؟

**اصغر کریمی:** گفتمان شورایی که در برخی دانشگاهها و در میان فعالین براه افتاده است، ادامه گفتمانی است که توسط اسماعیل بخشی برای اداره شورایی نیشکر هفت تپه مطرح شد و در سطح دانشگاه ها و فعالین به گفتمان وسیعی تبدیل شد. سیل و عواقب آن اهمیت همبستگی و سازمانیابی مردم برای حل و فصل مسائل خود را بیش از پیش ملاموس و به یک ضرورت تبدیل کرده است. حکومت سعی میکند هر جا بتواند جلوی متشکل شدن و همبسته شدن مردم را بگیرد. اما لاقیدی و ناتوانی یا عدم تمایل حکومت برای رفع مشکلات مردم چندان در این

## قطعنامه نشست رئیس شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و هیئت فریدم ناو

روز ۲۳ مارس ۲۰۱۹ نشست بین استفان وان سیچووسکی رئیس شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه - کانادا و هیئتی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران "فری دم ناو"، در دفتر این شورا صورت گرفت. در این نشست بر این نکات و محورها تاکید شد:

سکوت و مماشاتش با سرکوبگری های حکومت اسلامی و نقض حتی همان کنوانسیون های اعلام شده این سازمان از سوی رژیم ایران بعنوان عضوی از این سازمان اعلام میکنیم.

جمهوری اسلامی کارگران و مردم را از پایه ای ترین حقوق خود چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق گرامیداشت روز جهانی کارگر، حق آزادی بیان محروم کرده است. چنین رژیمی نباید جایی در سازمان جهانی کار داشته باشد.

ما همراه با دیگر نهادهای بین المللی کارگری و انساندوست جهانی که صدای اعتراض خود را علیه سرکوبگری های وحشیانه حکومت اسلامی بلند کرده اند، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، آتنا دائمی، و تمامی زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما حمایت خود را از کارزار فری دم ناو اعلام میکنیم.

Stephen Von Sychowki  
President of Vancouver  
and District Labour  
Council (VDLC)  
Campaign to Free jailed  
workers in Iran(Free  
Them Now)  
Shahla Daneshfar  
March 2019 22

نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود، دو باره بخاطر اعتراضش به شکنجه های درون زندان دستگیر شد. او و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده و برگرفته های اسماعیل بخشی صحنه گذاشت نیز در زندان است. آنها زیر فشار قرار دارند که گفته های خود در مورد شکنجه در زندان را تکذیب کنند. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خواستار دادگاه علنی شده اند. وضعیت آنان اضطراری است. خواستار توقف آزار و شکنجه آنان، پایان دادن به شکنجه ها در زندان و آزادی فوری و بدون قید و شرط بخشی و قلیان هستیم.

۳- ما از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران در ایران حمایت کرده و خواستار لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و فعالین اجتماعی هستیم. جمهوری اسلامی کارگران را به خاطر مبارزاتشان در دفاع از زندگی و معیشتشان تحت عناوینی چون "اخلال در نظر و امنیت ملی" دستگیر و زندانی میکند. محکوم کردن کارگر به حبس و زندان بخاطر اعتراض برای حق و حقوقش یک بردگی آشکار است و ما آنرا قاطعانه محکوم میکنیم.

۴- ما اعتراض خود را به سازمان جهانی کار بخاطر

۱- ما شرکت کنندگان در این نشست صدور احکام شنیع شلاق برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض را شدیداً محکوم میکنیم. این مجازات ضد انسانی و اسلامی باید توسط همه سازمانهای کارگری و مردم متمدن جهان محکوم شود. اخیراً برای جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران تحت عنوان غیبت از مرخصی سی ضربه شلاق صادر شده است. این درحالیست که او بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران با ۶ سال زندان نیز محکوم شده است. همچنین برای نسرين ستوده و کیلی که از زندانیان سیاسی دفاع کرده است، ۱۳۷ ضربه حکم شلاق و ۷ سال حبس حکم داده شده است. قبلتر نیز محمد حبیبی معلم زندانی که ده سال و نیم سال حکم زندان دارد به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. تمامی این احکام وحشیانه باید لغو شوند. ما جمهوری اسلامی را بخاطر صدور چنین احکام وحشیانه ای شدیداً محکوم میکنیم.

۲- ما از کیفرخواست اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه های حکومت اسلامی در زندانها حمایت و پشتیبانی میکنیم. اسماعیل بخشی که بخاطر دفاع از حقوق کارگران در جریان مبارزات کارگران

## نشست با دو اتحادیه کارگری در کانادا گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه



کاظم نیکخواه

شرکت واحد در سال ۸۴ و حمله رژیم اسلامی به این کارگران و دستگیری وسیع آنها کمپین برای آزادی کارگری زندانی "فری دم ناو" کار خود را آغاز کرد. در آن مقطع ما با اعلام کارزاری جهانی در حمایت از کارگران شرکت واحد و تعیین یک روز همبستگی بین المللی کارگری برای جلب همبستگی جهانی کارگری خود را شروع کردیم. بدنبال آن با تماس فشرده با اتحادیه های کارگری و در جاهایی برپایی آکسیونهای مشترک با آنان، با گرفتن نامه های حمایتی از سوی بسیاری از اتحادیه های کارگری، با کشاندن موضوع این دستگیریها به اجلاس سازمان جهانی کار، در حالیکه عکس کارگران بازداشتی را در دست داشتیم، و با برنامه های فشرده تلویزیونی در حمایت از اعتراضات و خواستههای کارگران شرکت واحد و کارگران بازداشت شده در "کانال جدید" توانستیم در سطح گسترده ای صدای اعتراض این کارگران باشیم. از آن تاریخ بیش از یک دهه میگذرد و طی این مدت ما همواره تلاش کرده ایم با انعکاس آخرین اخبار اعتراضات کارگری و اطلاع رسانی در مورد وضع کارگران زندانی در ایران، همبستگی و حمایت وسیع اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست را از کارگران ایران جلب کنیم. از جمله صفحه ۶

مختلف طبقه کارگر ایجاد کنیم و حمایت متقابل کارگران را از یکدیگر عملی کنیم. بهرحال این حمایتهایی که تا کنون موفق شده ایم بدست آوریم بسیار مهم است. کارگران در ایران می بینند که در گوشه و کنار جهان از آنها حمایت میکنند. صدایشان شنیده میشود. مسائلشان مورد بحث قرار میگیرد. به اشکال متنوعی مورد حمایت و پشتیبانی قرار میگیرند. فشاری که اتحادیه ها و تشکلهای مختلف کارگری روی جمهوری اسلامی میگذارند روی عقب نشینی های این حکومت در برابر کارگران در ایران خیلی تاثیر دارد. ما توانسته ایم کاری بکنیم که در کنفرانس سالانه آی ال او خواست اخراج حکومت اسلامی از این سازمان بوضوح مطرح شده و دارد مورد حمایت بیشتری قرار میگیرد. اینها همه روی فضای مبارزه کارگران در ایران تاثیرت زیادی دارد و به پیشروی و موفقیت این مبارزات بسیار کمک میکند.

**خلیل کیوان:** شهلا دانشفر در باره "فری دم ناو" بیشتر توضیح دهید. انترناسیونال اطلاعیه ها و گزارشات متعددی از این نهاد را منتشر کرده است. این فرصتی است که خوانندگان انترناسیونال را در جریان بگذارید که "فری دم ناو" کی و چطور تاسیس شد، همکاران آن چه کسانی هستند و تا کنون چه کارهایی صورت داده است و چه برنامه هایی در دستور دارد؟

**شهلا دانشفر:** همزمان با اعتصاب قدرتمند کارگران

خلاصه کلام اینکه دیدارهایی که در این سفر داشته ایم تجربه خوبی برای فری دم ناو بود و دریچه جدیدی به روی فعالتهایش باز کرد. از جمله توافقاتی در سطح قطعنامه هایی که در این دیدارها صورت گرفت، نشانگر اهمیت اینگونه تماسهاست و تاکیددی بر ضرورت ادامه چنین ملاقاتهایی است. بویژه بیش از ده سال فعالیت مستمر، فری دم ناو اکنون به نهادی شناخته شده در سطح بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی تبدیل شده است و زمینه چنین دیدارهایی بیشتر فراهم است.

**خلیل کیوان:** آیا این همبستگی ها و حمایتهای بین المللی تاثیر محسوسی در زندگی کارگران در ایران دارد؟ کلا همبستگی های بین المللی کارگری چه اهمیت و جایگاهی دارد؟

**کاظم نیکخواه:** از جنبه های مختلفی این حمایتها مهم است. اساسا ما مبارزه خود را یک مبارزه در چارچوب محدود ملی نمی بینیم. ما از یک طبقه جهانی، یک طبقه کارگر صحبت میکنیم. با یک سیستم جهانی روبرو هستیم. با یک طبقه سرمایه دار جهانی طرف هستیم. نمیشود در چارچوب محدود ملی با این سیستم بطور جدی مقابله کرد. باید بتوانیم هم طبقه هایمان در سطح جهان را با خود همراه کنیم. در این سطحی که داریم صحبت میکنیم هنوز یک گوشه از انرژی و توان و ظرفیت جهانی طبقه کارگر را شاهد هستیم. ما باید بتوانیم ارتباط بسیار فعالتری را بین بخشهای



شهلا دانشفر

این اتحادیه ها به کانادا سفر کردیم. در دو نشستی که با شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه و اتحادیه کارگران خدمات و دولتی داشتیم در مورد مسائل کارگران در ایران با آنها بحث کردیم و در آخر قطعنامه ای با امضای مشترک فری دم ناو و این دو اتحادیه به تصویب رسید که متن آن منتشر شده است. رؤس اصلی این قطعنامه عبارتند از: محکوم کردن احکام شلاق با خواست ممنوعیت فوری این شکل شنیع مجازات اسلامی؛ توقف فوری شکنجه و آزار زندانیان؛ پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران؛ معلمان و تمامی فعالین اجتماعی؛ اخراج جمهوری اسلامی این حکومت شلاق و شکنجه و زندان از سازمان جهانی کار و آزادی فوری کارگران زندانی؛ معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی.

صدور چنین قطعنامه ای نشانگر سطح جدیدی از ارتباط فری دم ناو با اتحادیه های کارگری است و میتواند الگویی برای ارتباط این کمپین با سازمانهای جهانی کارگری و جلب همبستگی بین المللی باشد. گفتنی است که در دیداری که با این دو اتحادیه کارگری در کانادا داشتیم، آنها با پیام های ویدیویی نیز حمایت گرم خود را از مبارزات کارگران در ایران اعلام داشتند.

**خلیل کیوان:** اخبار سفر شما به کانادا و نشست مشترک هیئت "فری دم ناو" با استفان فون سیچوووسکی دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری کانادا و با رهبری اتحادیه کارگران خدمات دولتی این کشور و صدور قطعنامه ای در حمایت از کارگران ایران را در مدیای اجتماعی دنبال کردیم. خوشحال خواهیم شد اگر در مورد این سفر به سئوالات ما پاسخ دهید و خوانندگان انترناسیونال را در جریان کارهای این نهاد قرار دهید. چه شد که این ملاقات در دستور کار شما قرار گرفت و به چه نتایجی رسیدید؟ با توجه به ثمر بخش بودن این نوع ملاقات ها و گفتگوها و همکاری ها آیا در نظر دارید تحرک بیشتری در دستور "فری دم ناو" بگذارید و این نوع سفرها و ملاقات ها را گسترش دهید؟

**شهلا دانشفر:** ما همواره تلاش کرده ایم که در سطح جهانی صدای اعتراض کارگران ایران و کارگران زندانی باشیم. به همین منظور از طریق اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) کوشیده ایم با تشکلهای و اتحادیه های مختلف کارگری در کشورهای مختلف جهانی تماس و ارتباط برقرار کنیم. اکنون بعد از بیش از یک دهه فعالیت مستمر بسیاری از اتحادیه های کارگری علاقه مند به ملاقات با فری دم ناو هستند. از جمله اتحادیه های کانادا از من بعنوان سخنگوی این کمپین و کاظم نیکخواه مسول روابط بین المللی آن دعوت کردند که با آنها مستقیما دیداری داشته باشیم. در پاسخ به این دعوت و برای گسترش فعالیتیمان با

از صفحه ۵

کارزار در حمایت از محمد جراحی، محمود صالحی، جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، دستگیر شدگان اول مه در تهران، سنندج و سقز و دستگیریهای معلمان نمونه های برجسته ای از فعالیت های ما بوده است. بعضا نیز کارزارهای مشترکی با کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی گذاشته ایم که نمونه های از آن در مورد بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی بود. نمونه های اخیرتر کارزارهای مبارزاتی فری دم ناو همراهی با کارزار "من هم شکنجه شده ام" و در حمایت از کیفرخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و زندان است، که ادامه دارد. این کارزاری است که در سطح جامعه جاری است و ما نیز به سهم خود در پیشبرد آن نقش ایفاء کرده ایم و امروز یک اولویت مهم کار ماست. این چنین است که امروز فری دم ناو به نهدی شناخته شده در سطح بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی و در میان فعالین کارگری در ایران تبدیل شده است. من هماهنگ کننده و سخنگوی فری دم ناو هستم. کاظم نیکخواه مسول روابط بین المللی این کمپین است. در عین حال فری دم ناو در کشورهای مختلف اعضای خود را دارد که بخش مهمی از پیشرفت کار این کمپین نتیجه فعالیت های درخشان این دوستان بوده است. از جمله همین دیدار ما با اتحادیه های کارگری در کانادا نتیجه سالها تلاش مسعود ارژنگ عضو فعال فری دم ناو در کانادا و همراهی دیگر اعضای این کمپین در این کشور از جمله تهمینه

صادقی؛ عباس ماندگار، داود آرام و سلیمان سیگارچی بوده است. همچنین ارسال ناظری در استرالیا، سیامک زارع در آلمان از دیگر اعضای فری دم ناو هستند. با یکسری از کشورها نیز از جمله سوئد، نروژ، انگلیس و سوئیس از طریق تماس مستقیم بخش روابط بین المللی این کمپین ارتباط برقرار کنیم. بعلاوه ما از طریق شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا کانال ارتباطی خوبی با کشورهای تونس، مصر، مراکش و عراق داشته و توانسته ایم حمایت آنها را نیز همراه داشته باشیم. ضمن اینکه متقابلا تلاش کرده ایم در کارزار های مبارزاتی آنها در دفاع از مبارزات کارگران در آن کشورها نیز شرکت فعالی داشته باشیم. طبیعا یک وجه مهم همه این فعالیت ها پیشبرد گفتمان های سیاسی ای بوده است که در جریان فعالیتهایمان تلاش کرده ایم به جلو ببریم. از جمله در همین دیدارهایی که در این سفر داشتیم همانطور که اشاره کردم محکوم کردن امنیتی کردن مبارزات، حمایت از کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه زندان و شکنجه، اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی و اینکه جای رژیم شلاق و زندان و شکنجه در سازمان جهانی کار نیست و ممنوعیت شلاق چهار محور اصلی گفتمان های سیاسی فری دم ناو بود که در قطعنامه مشترک با این اتحادیه ها انعکاس پیدا کرد. بدین ترتیب فری دم ناو خطی رادیکال و چپ را در زمینه جلب همبستگی جهانی کارگری به پیش برده و به این اعتبار یک پیشروی مهم برای جنبش کارگری در ایران بوده است. از نظر من این چهار

## نشست با دو اتحادیه کارگری در کانادا گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه

محور و بویژه کوبیدن بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی و انزوای سیاسی آن کماکان محورهای اصلی فعالیت ما هستند. در این راستا موفقیت هایی هم کسب کرده ایم. برای مثال هم اکنون در نامه های حمایتی ای که از اتحادیه های کارگری بین المللی دریافت میکنیم، یک موضوع اعتراضشان خاطر نشان کردن همین موضوعات بوده است. از جمله در رابطه با صدور حکم وحشیانه زندان و شلاق برای محمد حبیبی از معلمان زندانی با پیگیری های بسیار توانستیم تاکید بر اینکه شلاق باید ممنوع شود را به گفتمان نامه های حمایتی اتحادیه های کارگری تبدیل کنیم. یا در جریان اعدام سه فعال سیاسی رامین حسین پناهی و لقمان و زانیار مرادی در کردستان در شهریور ماه سال گذشته که در اعتراض به آن اعتصاب عمومی بپا شد و دامنه از کردستان نیز فراتر رفت، ما توانستیم این موضوع را به نهادهای کارگری جهانی انعکاس دهیم. بطور مثال اتحادیه کارگران خدمات در کانادا طی نامه ای اعتراضی این اعدام ها را محکوم کرد و بر لغو مجازات اعدام در ایران تاکید نمود. بدین ترتیب فری دم ناو با فعالیت هایش توانسته است بر روی گفتمان های اتحادیه های کارگری و به چالش کشیدن قوانین مجازات های اسلامی حکومت اسلامی از سوی آنان تاثیر گذار باشد. خلاصه کلام اینکه فری دم ناو بخاطر سالها کار فشرده و پیوسته اش اکنون در لیست کنفدراسیون بین

باشد انرژی و وقت ماست که امیدوارم با جذب نیروهای جوان و بیشتری بتوانیم به انجام میزان گسترده تری از کارهای جالبی که میشود کرد برسیم.

مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ایران، یعنی مبارزه برای حق تشکل، حق اعتصاب، و مقابله با تعدیات کارفرمایان و حکومتها علیه کارگران و دفاع از تمام حقوق اساسی و پایه ای کارگری.

همین امر نشان میدهد که در خلال فعالیتهایی که ما داریم با چه مسائل متنوعی روبرو هستیم و چه عرصه های مهم و گوناگونی را مورد بحث و تبادل نظر قرار میدهیم و از آن دفاع میکنیم. مبارزه برای آزادی کارگران زندانی یک کار همه جانبه است و چشم انداز آن نیز یک چشم انداز وسیع و همه جانبه است. اما بهرحال مهمترین کاری که ما باید بتوانیم انجام دهیم اینست که نگذاریم رهبران و فعالین کارگری دستگیر شوند و تلاش کنیم که آنها که دستگیر شده اند را آزاد کنیم.

**خلیل کیوان:** تابستان نزدیک است. اجلاس آی ال او سازمان جهانی کار هر سال در فاصله هفته آخر ماه مه و هفته اول ماه ژوئن برگزار میشود. شما به طرق مختلف نقش و حضور فعالی در رسوا کردن جمهوری اسلامی و تلاش برای اخراج آن از آی ال او داشته اید. آیا در این رابطه صحبتی با دو اتحادیه کارگری ای که ملاقات کردید؛ داشته اید؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که در سوال قبل اشاره کردم یک موضوع مهم فعالیت فری دم ناو بردن گفتمان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان

**خلیل کیوان:** چشم انداز شما از فعالیت فری دم ناو چیست؟

**کاظم نیکخواه:** این نهاد همانطور که از اسمش پیداست یک امر مشخص را دنبال میکند که آزادی کارگران زندانی است و بنابراین اساسا موفقیتش با این سنجیده میشود که هیچ کارگری در زندان نباشد. اما همانطور که توضیح داده شد مسائلی که ما عملا دنبال میکنیم فقط به مساله کارگران زندانی محدود نمیشود. این نهاد در ارتباط نزدیک با "شبکه همبستگی کارگران در خاورمیانه و شمال آفریقا" قرار دارد و میتواند ارتباطات بسیار گسترده تری میان کارگران در کشورهای مختلف برقرار کند. ایجاد یک ارتباط فعال و نزدیک میان کارگران در کشورهای مختلف و جا انداختن خواستها و اهداف رادیکال کارگری میان آنها، بسیار مهم و هیجان انگیز است و میتواند در تقویت موقعیت کارگران در ایران و در منطقه بسیار تاثیر داشته باشد و به ایجاد یک جبهه سیاسی و سوسیالیستی مهم و محکم رادیکال در منطقه کمک کند. این عرصه بسیار گسترده است و واقعا کارهای زیادی میشود کرد. اگر محدودیتی وجود داشته

## نشست با دو اتحادیه کارگری در کانادا گفتگو با شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه

## نشست مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و خدمات کانادا با هیئت "فری دمر ناو" جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود

سیاسی قرار دهیم که تلاش کنند این حکومت از این سازمان اخراج شود. این بزرگترین خدمت نه فقط به کارگران در ایران بلکه به همه کارگران جهان است. با اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار همه دیکتاتورها و حکومت‌های ضد کارگری حساب کار خود را خواهند کرد. تا کنون ما با تشکلهای اتحادیه‌های متعددی در این زمینه بحث کرده ایم و متقاعد کردن آنها کار مشکلی نیست. ما بدرجه ای در این زمینه پیش رفته ایم و همانطور که شهلا دانشفر اشاره کرد حتی چند تشکل بزرگ اتحادیه‌ای این خواست را به نحوی مطرح کرده اند.

ما امیدوار هستیم که بتوانیم شمار بیشتری از اتحادیه‌ها را به حمایت از این خواست متقاعد کنیم و بتوانیم آنها را به یک مصوبه در سازمان جهانی کار تبدیل کنیم و فشار بیشتری روی این حکومت کثیف ضد کارگری بگذاریم. تا همینجا هم طرح این مساله بطور محسوسی حکومت را زیر فشار قرار داده است و بازتاب آنها در صحبت‌های دست اندرکاران حکومت شنیده ایم. فضای جنبش کارگری در کشورها به دلایل مختلفی رادیکال تر شده است و این باعث میشود که حرکت و تلاش و کارزار ما برای اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار با حمایت‌های بیشتری همراه شود و بازتاب گسترده تری پیدا کند. مطمئنم که این خواست بزودی بازتاب گسترده ای در جنبش کارگری جهانی و در سطح جهان پیدا خواهد کرد.\*

جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی و انزوای سیاسی آن در سطح جهانی است. تاکید ما همواره این بوده که جای حکومت شلاق، اعدام، شکنجه و سرکوب در پشت میز محاکمه است و باید این رژیم از سازمان جهانی کار و تمامی نهادهای بین المللی اخراج شود. سیزده سال است که بر روی این موضوع کوبیده ایم و امروز نتیجه اش را در قطعنامه های حمایتی ای که از اتحادیه های کارگری جهانی دریافت میکنیم مبینیم، و هر روز این حمایت ها بیشتر میشود. از جمله در خرداد ۹۶ در آستانه اجلاس سازمان جهانی کار طی نامه ای خطاب به نهادهای کارگری در سطح جهانی اعتراض خود را به حضور جمهوری اسلامی در این اجلاس اعلام کردیم. در همان هنگام کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری طی بیانیه ای خطاب به آی ال او در اعتراض به شرکت هیات جمهوری اسلامی در اجلاس آن، اعلام داشت که نمایندگان واقعی کارگران در ایران کارگرانی چون جعفر عظیم زاده، محمد جراحی و بهنام ابراهیم زاده هستند. از نظر ما و کل جنبش کارگری است. قطعنامه هایی که در همین دو نشست اخیرمان در این سفر در کانادا داشتیم و تاکید آنها بر خروج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار در ادامه همین فعالیت ها قرار دارد و ما را در این عرصه گامی جلوتر برد. ما با ارسال این قطعنامه ها و نامه های حمایتی دیگری که بر روی این خواست تاکید میکنند به

روز ۶ فروردین برابر با ۲۶ مارس هیئتی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران با جمعی از مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و خدمات کانادا (بی سی جی ای) ملاقات کردند و در مورد مسائل کارگران در ایران با آنها گفتگو کردند. در این دیدار شهلا دانشفر هماهنگ کننده این کمپین، کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین و تهمینه صادقی از سازمان دهندگان کمپین در کانادا حضور داشتند. در این نشست ابتدا از حمایت های صمیمانه این اتحادیه از مبارزات کارگران در ایران و کارگران زندانی قدرانی شد. سپس شهلا دانشفر در مورد فعالیت های این کمپین و سازمان آن گزارشی داد. بدنبال آن کاظم نیکخواه مختصری در مورد جنبش کارگری در ایران و اوضاع کنونی صحبت کرد و تهمینه صادقی در مورد انتظارات ما از اتحادیه توضیح داد. بعد از این سخنان از سوی هیات شرکت کننده در مورد اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران هفت تپه و کیفرخواست او علیه زندان و شکنجه و حمایت و پشتیبانی سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات این کارگران بازداشت شده بود، و نیز در مورد جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و معلمانی زندانی گزارشی داده شد. تاکیدات و توافقات این نشست بر روی نکات زیر بود:

۱- محکوم کردن احکام وحشیانه شلاق برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض، محکوم کردن جمهوری اسلام به خاطر این گستاخی و صدور احکام شلاق برای جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی و نسرين ستوده و تلاش متحدانه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان. ممنوعیت شلاق این حکم شنیع مجازات های اسلامی

۲- حمایت از کیفرخواست اسماعیل بخشی رهبر کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه و زندان و حمایت از طومار اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در همبستگی با او و نیز حمایت از سپیده قلیان که در کنار کارگران نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی ایستاد و تلاش برای آزادی آنان.

۳- همبستگی با کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران در ایران و خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و فعالین اجتماعی

۴- اعتراض به سازمان جهانی کار بخاطر سکوت و مماشتش با سرکوبگری های حکومت اسلامی و نقض حتی همان کنوانسیون های اعلام شده این سازمان از سوی رژیم ایران بعنوان عضوی از این سازمان. تاکید بر حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع بعنوان حقوق پایه ای کارگران در ایران و اینکه جای حکومت شلاق و زندان و شکنجه و اعدام در سازمان جهانی کار نیست.

۵- تاکید بر کارزار و تلاش برای آزادی بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده،

## شایعه سیل

از صفحه ۱۰

چشمشان مردم حلقه زند «تصویب بودجه برای مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، ۸۰ برابر بودجه مدیریت بحران است. همین خبر نشان می‌دهد کسانی که در شبکه‌های اجتماعی دست به شایعه پراکنی می‌زنند و می‌گویند در ایران بجای باران رحمت سیل آمده و مسئولان دست روی دست گذاشته و همزمان در بلاد کفر و جزیره کیش در حال عشق و حال بودند، دروغی بیش نبوده است.

با همه اینها یک حزب در کنار و هم رای با میلیونها «شایعه ساز» پی در پی اطلاعیه می‌دهد و می‌گوید: سیل این حکومت لعنتی را ببرد. سیل انقلاب. حزبی که مردم را فرامی‌خواند، با سازمان دادن اعتراض در خیابان و کارخانه و دانشگاه، زمین را زیر پای مستی قاتل و مافیای میلیارد داغ کنند و کاخ هایشان را بلرزاند و برسرشان واژگون کنند. حزبی که می‌گوید مردم خود اوضاع را بدست بگیرند. حزبی که می‌گوید ساختن یک جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت امکانپذیر است. سیلی می‌آید و همه کثافات اسلامی را جارو می‌کند.\*

است. خبر رسیده مردم در صفوف به هم فشرده و متحد ضمن قدردانی، دعای طول عمر بیشتر برای مسئولان کشوری و لشکری خواندند. به فحش کشیدن مسئولین و امامان جمعه در مناطق سیل زده هم شایعه بوده و با منتشر کنندگان آن نیز برخورد قضایی می‌شود.

آخرین و جدیدترین اخبار منتشره در روزنامه‌های رسمی و دولتی حاکی از این است که باران برکت است و خدا لطف فرموده و باران رحمت بارانده است. اینکه باران راهش را گم کرده و بجای اینکه سر از رودخانه‌ها و نهایتاً دریاها در بیاورد، وارد خانه و زندگی مردم شده، چیزی از التاف الهی کم نمی‌کند.

در مقابله با شایعه سازان یک نکته مهم دیگر نیز قابل ذکر است. مسئولان حکومتی برای مقابله با سوانح طبیعی همه اقدامات لازم را بجا آورده‌اند. مهمترین اقدام، بستن قرارداد چند صد میلیارد تومانی با فیضیه قم است و قرار شد علما و طلبه‌های زحمتکش قم بی‌وقفه برای مهار سیل و زلزله دعا بخوانند. اقدام پیشگیرانه دیگر که باعث گردید اشک شوق در

## نشست مشترک دبیر کل اتحادیه کانادایی با هیئت "فری دم ناو" محکومیت شلاق و شکنجه علیه زندانیان در ایران

۴- اعتراض به سازمان جهانی کار بخاطر سکوت و مامشاتش با سرکوبگری‌های حکومت اسلامی و نقض حتی همان کنوانسیون‌های اعلام شده این سازمان از سوی رژیم ایران بعنوان عضوی از این سازمان. تاکید بر حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع بعنوان حقوق پایه ای کارگران در ایران و اینکه جای حکومت شلاق و زندان و شکنجه و اعدام در سازمان جهانی کار نیست.

۵- تاکید بر کارزار و تلاش برای آزادی بدون قید و شرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، آتنا دائمی، و تمامی زندانیان و حمایت از کارزار فری دم ناو. در این نشست بر تداوم این نشست‌ها تاکید گردید.

شورای اتحادیه‌های کارگری ونکور و حومه درکانادا یک چتر فدراسیون و چتر اتحادیه ای است و در برگیرنده بیش از ۶۰ هزار کارگر در این منطقه میباشد.

## کمپین برای آزادی

## کارگران زندانی

shahla.Daneshfar2@gmail.com  
ail.com

۳ فروردین ۹۸، ۲۳ مارس  
۲۰۱۸

امنیتی کردن مبارزات و صدور احکام شنیع شلاق و زندان در قبال او، محمد حبیبی و نسرین ستوده گزارشاتی داده شد. تاکیدات و توافقات این نشست بر روی نکات زیر بود:

۱- محکوم کردن احکام وحشیانه شلاق برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض، محکوم کردن جمهوری اسلام به خاطر این گستاخی و صدور احکام شلاق برای جعفر عظیم زاده، محمد حبیبی و نسرین ستوده و تلاش متحدانه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان. ممنوعیت شلاق این شکل شنیع مجازات‌های اسلامی

## ۲- حمایت

کیفرخواست اسماعیل بخشی رهبر کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه و زندان و حمایت از طومار اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در همبستگی با او و نیز حمایت از سپیده قلیان که در کنار کارگران نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی ایستاد و تلاش برای آزادی آنان.

۳- همبستگی با کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران در ایران و خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و فعالین اجتماعی

روز دوم فروردین برابر با ۲۲ مارس هیئتی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (FreeThemNow) با استفان فون سیچووسکی دبیر کل شورای اتحادیه‌های کارگری ونکور و حومه نشستی برگزار کرد و در مورد مسائل جنبش کارگری در ایران بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در این دیدار شهلا دانشفر هماهنگ کننده این کمپین، کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین و عباس محمدی و تهمنه صادقی سازماندگان کمپین در کانادا حضور داشتند. در این نشست ابتدا از حمایت‌های بیدریغ این اتحادیه از مبارزات کارگران در ایران و کارگران زندانی قدردانی شد. سپس کاظم نیکخواه مختصری در مورد جنبش کارگری در ایران و اوضاع کنونی صحبت کرد.

بدنبال آن هر کدام از حاضرین در مورد اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران هفت تپه و کیفرخواست او علیه زندان و شکنجه و حمایت و پشتیبانی سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات این کارگران بازداشت شده بود، صحبت کردند. سپس در مورد جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارزار علیه

## نشست مسئولین اتحادیه کارگران دولتی و ...

## کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla.Daneshfar2@gmail.com  
ail.com

۶ فروردین ۹۸، ۲۶ مارس  
۲۰۱۸

http://free-them-now.com

ها تاکید گردید. اتحادیه کارگران دولتی و خدمات کانادا دربرگیرنده بیش از ۷۷ هزار کارگر میباشد.

از صفحه ۷

محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، روح الله مردانی، آتنا دائمی، و تمامی زندانیان و حمایت از کارزار فری دم ناو. در این نشست بر تداوم این نشست

## انترناسیونال

## نشریه حزب کمونیست کارگری

## سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



## کارگران در هفته ای که گذشت

گویم. چه بگویم که واژه ها برای قدردانی از حمایت مردم عزیز، خواهران و برادرانم، بی وزن هستند."

اسماعیل بخشی رهبر اعتراضی قدرتمند در نیشکر هفت تپه است. مبارزات این کارگران در کنار گروه ملی فولاد اهواز نقطه عطفی در کل جنبش کارگری بود. جمهوری اسلامی در هراس از انعکاس عظیم اجتماعی این مبارزات که به جنبشی حول خود و حول رهبری چون اسماعیل بخشی شکل داده است، اسماعیل را زندانی کرده و او را در بازداشت نگاه داشته است. اما با هیچ درجه و سرکوب نمیشود این جنبش



عظیم قدرتمند را عقب زد. پیام نوروزی اسماعیل بخشی پیامی به جنبش همبستگی با کسانی که وی را حمایت کردند و از آزادی و انسانیت سخن گفتند، است.

**چهار پیام نوروزی نمونه: جای هیچ انسان آزادیخواهی زندان نیست**  
اکرم رحیم پور، همسر جعفر عظیم زاده چهره سرشناس کارگری و رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در پیام نوروزی اش خواستار توقف روند برخورد با فعالین کارگری شد. خدیجه پاک ضمیر همسر محمد حبیبی به مناسبت نوروز پیام میدهد و پیامش به جامعه همبستگی با خواستههای مبارزاتی همسرش

میشود. اسماعیل بخشی جنبش عظیمی است که با شعار ما همه بخشی هستیم قد علم کرد. این جنبشی است که با شعارهای من هم شکنجه شده ام، مستند، شکنجه دیگر اثر ندارد، در برابر سرکوبگری های حکومت ایستاد. و این جنبش رادیکال و سوسیالیستی کارگری است که در کف خیابان با شعار حکومت سرمایه داری مفتخور نمیخواهیم دارد کل این بساط جهنمی سرمایه داری حاکم را به چالش میکشد. زنده باد اسماعیل بخشی! زنده باد همبستگی کارگری!

### اسماعیل بخشی:

#### بیابید در رنجها بر رنج ها بخندیم

در حالیکه خبرها از وضعیت نگران کننده اسماعیل بخشی در زندان گزارش میکردند، پیام وی از درون زندان پیامی شادی بخش برای همه مردم بود. اسماعیل بخشی در پیام خود با گفتن اینکه پس بیابید تا در رنج ها بر رنج ها بخندیم و با قدردانی از تمام حمایت هایی که از وی شده است، از آینده سخن میگویند. در بخشی از پیام اسماعیل بخشی چنین آمده است: "از پشت میله های زندان به طبقه کارگر، دانشجویان، دادفران و همه عدالت طلبان و برابری خواهان درود می فرستم، نوروز را شادباش می



شهلا دانشفر

#### طومار حمایت از اسماعیل بخشی

به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه جمعی از کارگران و مردم شهر سنج در اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه طوماری اعتراضی دادند و در آن خواستار آزادی فوری او و دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شدند. در بخشی از این طومار چنین آمده است: "ما جمعی از کارگران و مردم شهر سنج ضمن تبریک سال نو، خواهان آزادی بی قید و شرط اسماعیل بخشی و سایر کارگران و زندانیان سیاسی در بند هستیم". این اقدام در ادامه طومار اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه قرار دارد. کارگران نیشکر هفت تپه در ۲۳ اسفند ماه همراه با مادر اسماعیل بخشی این طومار را انتشار دادند و اکثریت بزرگ این کارگران آنرا امضا کردند و همبستگی خود را از نماینده محبوب خود اعلام داشتند. اسماعیل بخشی برای مردم با آزادیخواهی، برابری طلبی و آلترناتیو شورایی تداعی

های حکومت ایستاده و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز قدرتمند تر به جلو گام بر میدارد.

#### نوروز و دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی

دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های جانبازان به یک شکل رایج همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران تبدیل شده است. از جمله یک بخش مهم از کارزار معلمان علی امنیتی کردن مبارزات و برای آزادی معلمان دربند دیدار از خانواده های همکاران دربندان است.

ایام نوروز بیش از پیش به فرصتی برای این همبستگی ها تبدیل شده است. یک نمونه آن دیدار نوروزی جمعی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران به همراه خانواده جعفر عظیم زاده با خانم گوهر عشقی مادر ستار بهشتی است. این دیدار ها شکلی از اعتراض به سرکوبگری های حکومت و ارج گذاشتن به مبارزات کارگران زندانی، معلمان دربند و زندانیان سیاسی است. \*



از جمله اعتراض به کالایی شدن آموزش با خواست لغو خصوصی سازیها و آموزش رایگان است.

آدینه بیگی، همسر محمود بهشتی لنگرودی معلم زندانی پیام نوروزی میدهد و در پیامش از دغدغه های معلمان سخن میگوید و با شعار جای معلم زندان نیست، خواستار آزادی معلمان زندانی است.

منیره عبدی همسر اسماعیل عبدی یکی دیگر از معلمان زندانی، با پیام "جای هیچ انسان آزادیخواهی در زندان نیست"، از همسرش، اسماعیل عبدی فعال دربند و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران میگوید. این چنین است که همسران کارگران زندانی و معلمان دربند در صف جلوی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نقش ایفاء میکنند و از آزادی و برابری سخن میگویند. این چنین است که جامعه در مقابل سرکوبگری



## شهاب بهرامی سیلی که آمد و مقایسه دو بودجه



بعد از بارندگیهای شدید چند روز گذشته که به سیلی مرگبار انجامید، تعدادی از آخوندها و مسئولین رده بالای رژیم در واکنش به این فاجعه چنین اظهار داشتند: امام جمعه شیادی گفت ما هی گفتیم خمس و ذکاتان را بدهید، گوش نکردید، ندادید و دیدید که اینطور شد، ما الان نمی توانیم شما را کمک کنیم. شاید دیگری بنام لاریجانی هنگام بازدید از مناطق سیل زده در جواب زنی نگونبخت که همه هستی اش را از دست داده بود گفت، هنوز که زنده ای! رذالت و پستی تا به کجا؟! شیادی دیگر در "آق قلا" که عباى ریاست جمهوری اسلامی به تن داشت اظهار نمود که باران رحمت است و خدا خودش جبران خواهد کرد یعنی ما هیچ غلطی نخواهیم کرد. آن دیگری تهدید کرد که کمک رسانی ممنوع، رسانه های شایعه ساز مجازات خواهند شد و برای کنترل سیل، کنار دروازه قرآن شیراز، تانک مسقر کردند.

به گزارش وب سایت "ایران وایر" فقط بودجه سال ۹۸ حوزه خنگیه قم بالغ بر ۹۷۰ میلیارد تومان یعنی ۸۰ برابر بودجه سازمان مدیریت بحران است در حالیکه بودجه این سازمان به سیزده میلیارد نمیرسد که با توجه به

پرداخت حقوقها و مخارج دیگر و دزدیها، کمتر از ۳ میلیارد تومان برای جلوگیری از بلایای طبیعی و بازسازی، اختصاص یافته است، این یعنی صفر.

این گزارش در ادامه، به ارقام نجومی دیگر نهادهای مذهبی می پردازد که بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان می باشد، نهادهایی مانند نشر آثار خمینی و خامنه ای، گله امام جمعه ها و موسسات نشر خرافه و خزعبلات مذهبی، مراکز سیاست گذاری نماز جمعه، مساجد، ستاد امر به معروف و نهادهای دیگر. این مبلغ دقیقا ۴۱۷ برابر هزینه ستاد مدیریت بحران است. جالب است بدانید که مسئول این سازمان، هیچ تخصصی در هیچ زمینه ای جز آداب طهارت و دزدی و آدمکشی ندارد. این ستاد حتی یک متخصص و تحصیل کرده مدیریت بحران در استخدام اش نیست و فعالین و متخصصین محیط زیست تحت تعقیب و تهدید و آزارند، بسیاری از آنها زندانی هستند و تعدادی از آنها چون آقای کاووسی زیر شکنجه کشته می شوند.

رژیم پوسیده اسلامی ایران یک ناهمگامی، یک ناهمگونی، یک تناقض آشکار در برابر همه اصلهای بدیهی یک جامعه نرمال قرن بیست و یکمی است. این کفتاران سرمایه داری هنوز وانمود می کنند که بر اوضاع مسلط اند، می خواهند که جهانیان نیز در این باور دروغ و توهم، با وی شریک شوند تا پشت این نمای فریبیای ریا و رذالت اسلامی، نجاتشان را با ادامه سرکوب و شکنجه و اعدام تداوم بخشند. با فروکش کردن این سیل خانمانسوز، باید خروش و طغیان سیل اعتراضات مردمی به حرکت

## بازتاب هفته

### زیر نظر کیوان جاوید

درآید. از هم اکنون باید مسیر های این سیل را بطرف زباله دانی تاریخ هموار ساخت.

\*\*\*\*\*

حسن صالحی

### روحانی به سیل زدگان: خدا این مصیبت را جبران خواهد کرد!



وقتی علی لاریجانی دزد و مفتخور بعد از پنج روز به گلستان رفت و به زن آسیب دیده ای که طلب کمک می کرد جواب داد "فعلا سالمین"، منظورش این بود که بروید و شکر خدا بکنید! یک هفته بعد زمانی که روحانی بعد از تعطیلات نوروزی اش به گلستان رفت گفت "البته باران نعمت است ولی خدا این مصیبت را جبران خواهد کرد!" او هم ما را به خدا حواله داد.

بما می گویند که شکر کن که خودت زنده ای چرا که همان زندگی مشقت بار قبل از سیل را هم از سر ما زیاد می دانند. و یا ما را به خدا حواله می دهند چرا که می خواهند به دنبال نخود سیاه برویم تا حقم را از گلویشان بیرون نکشیم. این پاره گویی های آخوندی به درد خودشان می خورد. اگر قرار است کسی خدا را شکر کند و به مشیت او گردن بگذارد، بگذار آنها همان میلیاردرها باشند که بندگان نظر کرده خدا هستند. اگر خدایی که اینها از آن دم

می زند راست باشد اول باید حساب پس دهد که این دم و دستگاه جنایت و غارت حاکمین اسلامی را چرا بر پا کرده است؟

با این دروغگویی ها و موعظه های مذهبی کسی دیگر نه گول می خورد و نه منکوب می شود. خدایی در کار نیست. اینها همه دروغ است. مردم عاملین اصلی بلایا و مصیبتهای خود را به خوبی می شناسند. لعن و نفرین از همه سو علیه جمهوری اسلامی بلند است. امام جمعه شیراز می گوید مردم در کوچه و خیابان به ما فحش می دهند. مردم بخوبی فهمیده اند که مذهب به ابزار ثروت اندوزی عده ای ناچیز و بیچارگی بخش عظیم جامعه تبدیل شده است. مردم می دانند که این سیل نیست که در این ابعاد هولناک فاجعه می آفریند بلکه این حکومت اسلامی با مذهبش است که منشا اصلی همه فجایع و جنایات است.

چهل سال حکومت دینی در ایران چشمها را به واقعیت مذهب و خزعبلات مذهبی باز کرده است. کسی منتظر خدا نخواهد نشست. مردم در مصیبت و غم به کمک هم آمده اند. دستی به سوی آسمان بلند نشد ولی دستهای مردمی از کردستان و آذربایجان و نقاط مختلف کشور به کمک مردم سیل زده آمد. مردم می دانند که تنها راه پیشگیری از وقوع چنین حوادث هولناکی این است که حکومت و دینش را به دست سیلابی سهمگین سپرد تا جامعه و طبیعت بتوانند هر دو آرام بگیرند. آرامش ما در پناه بردن به دین و خدا نیست. آرامش ما زمانی میسر است که با دستان خود جامعه ای بسازیم که آرامش و رفاه شهروندان اساسش باشد.

یک جامعه انسانی که در تعامل با طبیعت و محیط زیست قرار دارد. سیل و زلزله را می شود با استفاده از دانش و علم و تکنولوژی مدرن و نه خرافه و دعا چنان مهار کرد که اینهمه برای بشر مصیبت و مشقت بهمرام نداشته باشد. اینها همه شدنی است اگر به قدرت خود ایمان داشته باشیم. اگر باور داشته باشیم که بهشت واقعی را روی زمین با دستان خود خواهیم ساخت.

\*\*\*\*\*

کیوان جاوید

### شایعه سیل



روز پنجشنبه، ۸ فروردین، معاون دادستان کل کشور در امور فضای مجازی ضمن هشدار به "منتشرکنندگان شایعات" در مورد سیل اخیر، گفته است این شایعه پراکنی جرم بوده و با منتشرکنندگان اخبار دروغ برخورد قضایی می شود.

«شایعه شده «هفته پیش در مکانی ناشناخته، سیلی زد و مردم را به خاک سیاه نشانده. سیلی که خانه و کاشانه مردم را با خود برده و کشته ها و زخمی های زیادی بر جا گذاشته است.

خبر رسید مسئولان نیمه کاره دست از سفرهای کاری کشیده و خود را به مناطق سیل زده رساندند و دوش بدوش سیل زدگان جانشان را به خطر انداخته و به مقابله با این سیل برخاستند. همه اخبار حاکی از مجاهدت و از خود گذشتگی مسئولین فدا کار صفحه ۸

## پایان خلافت داعش و پیامدهای آن

مصاحبه با محمد آسنگران



محمد آسنگران

کرد.

از زجر کش کردن و سوزاندن آدمها در قفس تا پرت کردن بالای آدمها از بلندی و از ساختمانهای چند طبقه به پایین، از سر بریدن هر کسی که دشمن میپنداشتند و کشتار دسته جمعی مردمی که عقاید دیگری داشتند، از بازی با سر بریده شده آدمها به شکل توپ فوتبال تا فروش زنان در بازار و تبدیل کردن آنها به کنیز قابل خرید و فروش و فراخوان به امر نکاح زنان با برادران اسلامی را با تمام وقاحت و کراهت در قرن بیست و یکم به نمایش گذاشتند. این اعمال و رفتار همچنانکه خودشان با صدای بلند فریاد میکشیدند یادآور و زنده کردن اعمال و رفتار ۱۴۰۰ سال قبل بود که پیامبر اسلام و جنگجویان اسلامی اصحاب صدر اسلام در دوره اولیه سر برآوردن اسلام اجرا کرده بودند. اما الگوی رفتاری این جریان وحشی از گور برخاسته، تنها از کتابها و نقل قولهای اصحاب و پیامبران اسلامی سال قبل نشأت نگرفته ۱۴۰۰ بود. نمونه متاخر این توحش را داعش و امثال داعش از اعمال جریان داعشی شیعه حاکم بر ایران نتیجه گرفته بودند.

این دو فرقه اسلامی شیعه و سنی در رقابت با همدیگر جنگهای خونینی در تاریخ اسلام داشته اند و در رقابت با همدیگر توحش اسلامی را تاریخا بارها به اوج رسانده بودند. اما در دوره معاصر همه این جریانهای الگوی رفتاری و افق پیروزی خود را بلاواسطه از اعمال و تاکتیکهای جمهوری اسلامی گرفته

بودند. متأسفانه در اوایل دهه هشتاد میلادی این توحش اسلامی در ابعادی بسیار وسیعتر و وحشتناکتر در سرزمینی به اسم ایران اتفاق افتاد. اما در آن دوره نه مردم رسانه ای در دست داشتند که این جنایات را به اطلاع جهانیان برسانند و نه رسانه های رسمی تحت کنترل دولتهای سرمایه داری بویژه رسانه های غربی علاقه ای به نشان دادن این توحش در ایران داشتند.

وقتی که جمهوری اسلامی بدون محاکمه هر غیر خودی جوخه اعدام میسپرد ای را به و خلخال نامی به مانند قصاب اسلام هر انسانی را طبق قوانین شرعی و طبق دستور خمینی میکشت. وقتی که نمایندگان امام زمان در زندانها و سیاهچالهای رژیم اسلامی به زنان "کافر" تجاوز میکردند و آنرا امری ثواب میپنداشتند و برای اینکه دختران باکره به بهشت مورد نظر آنها نروند تجاوز شرعی و قانونی در مورد آنها مجاز شمرده میشد و نسل کشی از مخالفین مباح و شرعی بود و همه این جنایات باعث شد حکومتی اسلامی تثبیت بشود. کل جریانات اسلامی از جمله داعش را تشویق کرد با بکار گرفتن چنین تاکتیکهایی پیروان سنت اسلام و پیامبر میتوانند از جمهوری اسلامی هم قصی القلب تر باشند، تا مردمان غیر مسلمان و غیر فرقه آنها از ترس به اسلام مورد نظرشان تمکین کنند. و....

به دلیل سکوت رسانه های غربی و دیگر رسانه های دولتی و غیر دولتی، رسمی ابعاد توحش و کشتار و

بیرحمی و قساوت جریان اسلامی حاکم بر ایران همانند داعش دنیا را تکان نداد. مردم ایران در زیر تیغ اسلام احساس ناتوانی و شکست کردند و کسی صدای آنها را در دنیا نشنید. شاید بتوان گفت عروج داعش باعث شد با به نمایش گذاشتن هر چه پلیدی و قساوت غیر قابل تصور انسان است مردم دنیا فرصتی یافتند که فرهنگ و سنت و رفتار اسلامیها را بهتر بشناسند. در این میان مردم ایران متوجه شدند اگر دنیا چند دهه قبلتر از اعمال اسلامیهای حاکم بر ایران هم با خبر میشدند شاید این بلایای امروز با این ابعاد سایه اش را بر جهان نمی گستراند.

اکنون دنیا و مردم شرافتمند و متمدن این جهان بویژه ایران که خود قربانی مردم مستقیم این نوع داعشیسم بوده و هنوز از آن خلاص نشده اند، با شکست خلافت اسلامی داعش میتوانند نفس راحتی بکشند. بلاخره علیرغم خسارت غیر قابل جبرانی که مردم دچارش شدند باز هم مقابله با گسترش نفوذ و منطقه تحت حاکمیت چنین نیرویی امیدوار کننده است. زیرا راه را برای شکست قطعی داعش و دیگر جریانات اسلامی که همگی از یک سنت و یک ریشه و یک فرهنگ هستند باز میکند. واضح است که داعش در عراق و سوریه منطقه تحت حاکمیت اش را از دست داده است و این شکست بسیار مهمی برای این جریان است. اما همین داعش علاوه بر حضور تقریباً پرنرنگی که در سحرای سینا و لیبی و

افغانستان و چند کشور دیگر آسیا و آفریقا دارد، در مناطقی که در عراق و سوریه از دست داده و از نظر نظامی شکست خورده است هنوز در حال سازمان دادن دوباره خود به عنوان جریانی تروریست است و مشغول عملیات نظامی است.

ریشه کن کردن و شکست قطعی این جریان به اقدامات احتیاج دارد. ناگفته دیگری نماند نیروهایی که داعش را از نظر نظامی شکست دادند حتی نمیتوانند و در ماهیتشان نیست که بتوانند اقداماتی انجام بدهند که ریشه داعش و داعشیسم را خشک کنند. برای مثال تقریباً همه آنها که با داعش جنگیدند هنوز و بعد از این همه جنایت داعش نمیگویند که داعش جریانی اسلامی و تروریست و خونریز بوده است. بلکه همه آنها داعش را از اسلام منفک میکنند و با این اعمالشان دارند زمینه ادامه عمر داعش و یا رشد جریانات نوع داعش را فراهم میکنند.

همان نیروهای دمکراتیک سوریه و ی.پ.گ و پ.ک.ک سوریه و عراق و دولتهای نیروهای بارزانی و طالبانی و... همگی داعش را نه به عنوان یک جریان تروریست اسلامی، بلکه به عنوان یک نیروی "تبهکار"، تروریست بدون پسوند اسلامی و جریانی منحرف از اسلام و... معرفی میکنند. همین یک موضوع که امتیاز دادن آشکاری به اسلامیسم باعث میشود راه برای ادامه عمر بازماندگان داعش و یا عروج جریان دیگری از نوع داعش باز بشود.

این همان بلایی است که همانند یک معضل حل نشده خواهد ماند و فعلاً باقی مردمان این منطقه و حتی

## پایان خلافت داعش و پیامدهای آن

مصاحبه با محمد آسنگران

**خلیل کیوان:** چشم انداز پایان جنگ و حل مساله کرد را چگونه می بینید؟

**محمد آسنگران:** پایان جنگ در سوریه و حل مسئله کرد به تنهایی قابل حل نیستند. این دو موضوع به مسائل و بحرانهای دیگر منطقه گره خورده اند. اگر بخواهم بطور کلی و ماکرو اظهار نظر کنم به نظر من در پایان این بحران منطقه ای مسئله کرد هم به نحوی از انحا حل خواهد شد. یا راه حلهایی از جانب نیروهای درگیر برای پایان آن مطرح خواهند شد. زیرا این به نفع بورژوازی منطقه و حتی بورژوازی جهانی نیست که چنین بحرانی با این ابعادی که در دو دهه اخیر بخود گرفته است همچنان ادامه داشته باشد. اما پایان جنگ سوریه الزاما پیچیدگی زیادی مثل حل مسئله کرد نخواهد داشت. قابل تصور است علیرغم رقابتها و کشمکشهای موجود جنگ سوریه تمام بشود. اما حل مسئله کرد موضوع پیچیده تری است و امروز از مسئله فلسطین هم پیچیده تر شده است. با این حال پایان بحران فعلی خاور میانه بدون حل مسئله کرد قابل تصور نیست. این موضوع هم برای مردم تحت ستم کرد و هم برای دولتها و نیروهای درگیر در منطقه حائز اهمیت است و ناچارا بدون حل این معضل بحران خاورمیانه ادامه خواهد داشت. \*

اکنون با شکست دادن داعش در باغوز دامنه نفوذشان به شرق و جنوب شرقی سوریه هم گسترش یافته است کمتر محتمل است.

**خلیل کیوان:** در صورتیکه جنگ رخ دهد چه سناریوهایی محتمل است؟ نقش قدرت های بین المللی و قدرت های منطقه ای در چنین مناقشه ای چه خواهد بود؟

**محمد آسنگران:** با شکست نظامی داعش و پایان منطقه تحت حاکمیت این جریان، فاز جدیدی از رقابت و ائتلاف و اتحاد نیروها و دولتهای درگیر در منطقه آغاز میشود. کلید پایان یا گسترش این رقابتها به توافق یا تشدید رقابت آمریکا و روسیه گره خورده است. اگر جنگی بین نیروهای دمکراتیک سوریه و اسد آغاز بشود به این معنی خواهد بود که آمریکا و روسیه قبلا توافقاتشان را انجام داده اند و برای اجرایی شدن آن نیاز به چنین جنگی خواهد بود. بنابر این من تصور نمیکنم که ارتش سوریه بتواند بدون چنین توافقی بین روسیه و آمریکا دست به چنین جنگی بزند. مگر در موارد محدود و قابل کنترل برای امتیاز گرفتن و امتیاز دادن که حاکمیت و موقعیت هیچکدام از این نیروها را متحول نمیکند.

کلی بر سر تقسیم منطقه تحت نفوذ روسیه و آمریکا، کردستان سوریه را تخلیه کنند. زیرا آمریکا و اسرائیل میدانند در صورتی که نیروهای آمریکایی از شمال و شرق سوریه خارج بشوند ارتش سوریه بر کل این مناطق مسلط میشود. در چنین حالتی اجرایی کردن سیاست حلال شیعی که استراتژی جمهوری اسلامی در سوریه و عراق است اجتناب ناپذیر است.

بنابراین علیرغم تهدیدات وزیر دفاع سوریه و رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در این مورد، با توجه به قطب بندیهای فعلی نیروهای درگیر در این منطقه، احتمال جنگی تمام عیار علیه نیروهای "دمکراتیک سوریه" در دستور آنها نیست. اما آنچه در درازمدت قابل پیش بینی است این است که روسیه و ترکیه و جمهوری اسلامی تلاش میکنند تسلط ارتش سوریه را در کل کشور سوریه به امری عملی تبدیل کنند. در مقابل آنها آمریکا و اسرائیل تلاش میکنند مانع تشکیل حلال شیعی بشوند. تا وقتیکه سرنوشت این رقابت و تقابل حل نشده باشد، بحران و جابجایی نیروها و دولتهای درگیر بحران منطقه، در قطب بندیهای موجود ادامه خواهد داشت. در چنین شرایطی جنگ ارتش سوریه با نیروهای حاکم بر کردستان سوریه که

سریعتر را طی میکند و امیدواری به شکست کل این جریانات را در دنیا قویتر کرده است.

**خلیل کیوان:** بلافاصله پس از این پیروزی زمزمه های جنگ دیگری در سوریه شنیده میشود. اینبار در یک طرف نیروهای اسد که دو سوم خاک سوریه را در اختیار دارند و در سوی دیگر "نیروهای دمکراتیک سوریه" که یک سوم خاک این کشور را در کنترل خود دارند، قرار دارند. آیا آتش جنگ دیگری برافروخته خواهد شد؟

**محمد آسنگران:** احتمال جنگ بین این دو نیرو با قطب بندیهای فعلی و اتحاد و ائتلافهای فعلی زیاد نیست. زیرا علاوه بر حضور نیروهای آمریکایی که مانع چنین جنگی خواهد بود، نیروهای پ.ک.ک و ی.پ.گ و نیروهای "دمکراتیک سوریه" خود را دشمن اسد نمیدانند و هیچ وقت رابطه آنها با دولت اسد و دولت جمهوری اسلامی قطع نشده است. بعضی از شهرهای کردستان سوریه هنوز حاکمیتی دوگانه دارد. یک بخش دولت اسد و بخش دیگر آن نیروهای ی.پ.گ هستند. مذاکره و رابطه بین اسد و این نیروها همیشه وجود داشته است. من فکر نمیکنم نیروهای آمریکایی براحتی و بدون یک توافق

مردم جهان در دیگر نقاط این دنیا میتوانند هدف قرار بگیرند و همچنان دچار خسارت بشوند. مناطق زیادی که قبلا در عراق تحت کنترل داعش بود همچنان منطقه عملیاتیهای تروریستی این جریان است. اکنون داعش در دسته جات کوچک و تروریستی همچنان مشغول ترور و عملیات نظامی است. بازسازی این جریان به شکل دیگر و در دستجات کوچکتری اکنون در عراق و سوریه در جریان است. این اقدامات امید به مقاومت و ادامه عمر این جریان اسلامی در کشورها و مناطق دیگر را همچنان زنده نگه میدارد.

نتیجه ای که میخواهم بگیرم این نیست که چنین سیاستی میشود یک بار دیگر باعث جریانات نوع داعش امکان عروج و اعمال حاکمیت پیدا کنند. بلکه میخواهم تاکید کنم این نوع سیاست مماشات با اسلامیهها طول عمر این جریانات را بیشتر و پایان خسارات و مصائب مردم این مناطق را به تعویق میندازد. به همین سیاق چنین سیاستی میتواند مورد بهره برداری جمهوری اسلامی قرار گیرد و به نفع خود از آن بهره جوید. با این وجود نفرت مردم و نقش رسانه های مردمی و میدیای اجتماعی امکان عروج دوباره چنین جریانی را اگر نگویم غیر ممکن، بسیار مشکل کرده است. میتوان گفت با شکست داعش افول قطعی اسلام سیاسی روندی



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

## سیل و زلزله: خانه خرابی برای مردم، سود برای دزدان حاکم

چند روز پس از فروکش کردن سیلاب ها، روحانی و اطرافیان دولتی اش راهی مناطق سیلزده شدند تا عکس های سلفی بگیرند و در آلبوم افتخارات و رزومه ی کاری خود داشته باشند. همزمان با سفر روحانی به استان سیلزده ی گلستان، جعفری فرمانده ی سپاه و رحمانی وزیر کشور و فتح رییس کمیته امداد و تنی چند از بانکداران هم حضور پیدا کردند تا وانمود کنند که درکنار مردم آسیب دیده هستند!

روحانی و تیم حکومتی، همیشه زمانی مناطق زلزله زده و سیلزده سفر می کنند که مردم با چنگ و دندان از زندگی بریاد رفته شان دفاع می کنند. روحانی اینبار نیز یک مشت وعده و وعید تحویل مردم داد و گفت که بازسازی به زودی شروع می شود و طولی نمی کشد که شهرها به حالت اول بر می گردد!

روحانی همین دروغ ها را ۱۵ ماه قبل تحویل زلزله زدگان سرپل ذهاب داده بود و امسال کانکس های سرپل ذهاب را سیل نروزی فراگرفت.

همراهان روحانی که بعضی هایشان از مدیران بانک ها بودند، به مردم وعده وام دادند، یعنی در حقیقت آمده بودند که برای بانک های ورشکسته شان بازاریابی کنند. در حالی که وزارت مسکن، بنیاد مسکن و وزارت نیرو و کشاورزی و سازمان جنگل ها و مراتع( به خاطر

دخالتی که در جاری شدن سیل دارند) موظفند خسارات وارده را بپردازند.

حاکمیت برای تحقق برنامه های تروریستی و دخالتگرانه اش، در سوریه و عراق و لبنان و بعضی کشورهای آفریقایی خانه و بیمارستان و جاده می سازد، اما به سیلزده ها و زلزله زده ها، وعده وام می دهد. کمیته ی امداد خمینی، به زنان شوی از دست داده ی عراقی در جنگ، مقرری و مستمری می پردازد ولی به سیل زده ها که می رسد، وام می دهد.

سیل و زلزله برای مردم خانه خرابی و برای دزدان حاکم، سود می آورد.

## میوه ی تلخ درخت اصلاح طلبی

در این نوشتار کوتاه می خواهیم به مساله ای بپردازیم که بیش از دو دهه است فضای سیاسی جامعه را در گیرودار هیاهوی انتخابات فرا میگیرد. این گفتمان پوچ نیروهای موسوم به دوم خرداد و اصلاح طلبان در فضای سیاستزده پراکنده اند و تا کنون هم بر آن پا می فشارند. هر چند که خیزش انقلابی مردم در دی ماه ۹۶ به طرز قاطعانه ای مهر ابطال بر این گفتمان زد. گفتمان «انتخاب بین بد و بدتر!»

استدلال کسانی که به سناریوی «بد و بدتر» باور داشتند و در همین مضحکه ی قبلی نیز تکرار شد، این بود که اگر به روحانی رای ندهیم، ریسی روی کار خواهد آمد و داغ و درفش و دار را بر پا خواهد کرد، و خلاصه روحانی سر کار آمد و جامعه از بلیه

## آرش دشتی

ای به نام ریسی - قصاب دهه ی ۶۰- دور شد! اما امروز همان کاندیدای بدتر، با ردای قاضی القضاتی برگشت و بر مسند قوه ی قضاییه نشست. خامنه ای عادت دارد هرگاه که اشخاص مورد اعتمادش با اقبال روبرو نمی شوند، با تمهیدات ویژه ی خودش، آن ها را به مناصب حساس و حتی مهم تر از پستی که در آن رای نیآورده اند، بگمارد.

این اتفاق چند بار باید تکرار شود تا درستی گفتمان نیروهای انقلابی و کمونیست و از جمله تحلیل سیاسی درست حزب کمونیست کارگری ایران در مورد پروژه ی انفعالی «انتخاب بین بد و بدتر» به اثبات برسد!

نمونه های دیگری از این شیوه ی بهره برداری خامنه ای از شکست خوردگان در پست های حساس وجود دارد که یکی از آن ها انتصاب علی لاریجانی به ریاست رادیو و تلویزیون بود. علی لاریجانی، سال ها قبل دو دوره در شهر زادگاه پدری اش، در یکی از شهرهای کوچک شمال، کاندیدای نمایندگی مجلس شده بود و در هر دوره، با تو دهنی سختی از طرف رای دهندگان مواجه شده بود، تا اینکه خامنه ای او را در راس صدا و سیما گماشت.

جالب این است که هنوز هم برخی از اصلاح طلبان ورشکسته، سنگ «انتخاب بین بد و بدتر» را به سینه می زنند، غافل از اینکه دیگر جامعه ایران از این توهم عبور کرده است و بزیر کشیدن کل

رژیم، هدف اصلی جنبش سرنگونی طلبی مردم میباشد!

## سال ۹۸، سالی که بساط رژیم می تواند برچیده شود!

سال هاست که خامنه ای در لحظه ی تحویل سال، زبان به نامگذاری سال می گشاید، مانند «سال اقتصادمقاومتی» و یا «سال حمایت از کالای ایرانی» و امثال این ها. از فردای روز نامگذاری، میلیاردها تومان از جیب مردم خرج می کنند تا بنزها و تابلوهای تبلیغاتی این نامگذاری را آماده و بر در و دیوار های شهرها، معابر و میداین بیاویزند. سربرگ های کاغذ های وزارتخانه ها و ادارات دولتی را با این جمله چاپ می کنند. ولی این نامگذاری پس از یکی دو هفته به فراموشی سپرده می شود.

این کار کلیشه ای هر سال به چه دلیل صورت می گیرد؟ اول آنکه، خامنه ای می خواهد نشان بدهد که اختیار سال و ماه و حتی اسم و رسم زمان، در دست اوست. گویا سال و ماه، با نطق اوست که رسمیت پیدا می کند! خوی دیکتاتوری اقتضا می کند که اینگونه بیان شود که تمام امور با فرمان و امر مطاع ملوکانه! رتق و فتق می شود.

دوم آنکه، خامنه ای می خواهد نشان دهد که فکر و ذکرش پیش مصالح کشور است! یعنی اگر او به فکر حمایت از کالاهای تولید داخل کشور نباشد، مصرف کنندگان کالاهای ایرانی را نمی خرنند!

سوم آنکه، فقط خامنه ای است که گره گاه ها و مشکلات را می فهمد و گیر و

گره های کور مملکت فقط به دست او گشوده می شود! همه ی این ها برای آن است که بگویند خامنه ای رهبری فرزانه! ایست.

در تمام سال هایی که خامنه ای دست به نامگذاری های بی مسما زده است، اتفاقا خواسته است اقتضاحات مدیریت کلان جامعه را ماستمالی کند و بر روی خرابی ها ماله بکشد. مثلا وقتی کارشناسانش به او گزارش داده اند که کارگران و مزدبگیران زیر بار مزد های چندین برابر زیر خط فقر نمی روند و مردم می خواهند که از زندگی شایسته ی انسانی برخوردار باشند و هرگز باور نمی کنند که ثروت و نعمت وجود ندارد، نام آن سال را «اقتصاد مقاومتی» گذاشت تا بتوانند مردم را به ریاضت بکشانند.

همینطور است نامگذاری امسال ( سال ۹۸) به سال « رونق تولید!».

کدام رونق؟ کدام تولید؟ وقتی بیش از ۷۰ درصد کارخانجات به تعطیلی کشانده شده اند و مافیای واردات که عمدتا از سپاه و اطلاعات هستند، با تعطیل شدن تولیدات داخلی و رو آوردن به واردات به سودهای نجومی می رسند، تولیدی نمانده است. بر این مدیریت فشل و کاسب پیشه، حرف زدن از «رونق» «به جوک شبیه است.

تجربه ی بیست سال نامگذاری هر سال، نشان می دهد که خامنه ای با نامگذاری امسال، در حقیقت فاتحه ی تتمه ی تولید بی رمق داخلی را نیز خوانده است. \*

# سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

## جمهوری اسلامی کمک های مستقیم مردم به سیل زدگان شمال کشور را ممنوع کرد

دادستان جمهوری اسلامی با بیشرمی تمام اعلام کرده است که هرگونه جمع آوری کمک های مردمی برای استان های سیل زده گلستان و مازندران جز از طریق حساب های رسمی جمعیت هلال احمر و کمیته امداد ممنوع است. جمهوری اسلامی علت این تصمیم را سودجویی برخی افراد عنوان کرده است.

کمتر حکومتی اینچنین وقیحانه و آشکارا کمک رسانی مستقیم مردم به هموطنانشان را ممنوع میکند و خود دست به اقدام عاجلی برای حل معضلات مردم نمیزند. حکومتی که بعد از چند روز هنوز اقدام چندانی برای دهها هزار مردم سیل زده استان های گلستان و مازندران نکرده و حتی

و مازندران را فرامیخواند تا خود را سازمان دهند تا خبررسانی کنند و کمک ها را به بهترین نحوی در میان سیل زدگان تقسیم کنند. همزمان باید همه جا دست به اعتراض زد و حکومت دزدان اسلامی را وادار کرد امکانات لازم را، قبل از آنکه مردم بیشتر آسیب ببینند، در اختیار آنها قرار دهد.

### زنده باد انسانیت و همبستگی انسانی

### مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ فروردین ۱۳۹۸  
۲۴ مارس ۲۰۱۹

رسید. همچنان که به داد مردم سر پل ذهاب و ورزقان و بم نرسید. مردم اینرا میدانند و به همین دلیل خود دست به کار میشوند. مردم کوچکترین اعتمادی به حکومت و ارگان ها و مقامات و آیت الله های مفتخور ندارند و این ابلاغیه های حکومتی را نیز دور خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری مردم در سراسر کشور و بویژه در استانهای شمالی را فرامیخواند که به هر شکل که میتوانند دست به جمع آوری کمک بزنند و کمک ها را مستقیماً به سیل زدگان برسانند. حزب مردم گلستان

برخی افراد را بهانه قرار داده تا جلو موج همبستگی انسانی را بگیرد.

جمهوری اسلامی از همبستگی مردم وحشت دارد. باید این همبستگی را گسترش داد. موج حمایت مردم از سیل زدگان شمال کشور باید براه بیفتد. تنها در صورت اعتراض وسیع مردم است که جمهوری اسلامی امکانات بیشتری به سیل زدگان گلستان و مازندران اختصاص خواهد داد و قادر به مقابله با کمک مستقیم مردم نخواهد شد. بدون اعتراض وسیع مردم، حکومت به داد سیل زدگان نخواهد

خبررسانی درستی انجام نداده و یک صدم امکانات لازم برای رفع نیازهای فوری مردم را در اختیارشان قرار نداده است، حکومتی که پس از ۱۶ ماه زلزله در سر پل ذهاب و ۷ سال پس از زلزله ورزقان در آذربایجان غربی همچنان مردم این منطقه را در محرومیت کامل نگهداشته و از تامین ساده ترین نیازهای آنها از جمله مسکن و تغذیه و سایر هزینه های زندگی مردمی که همه چیزشان را از دست داده اند، سر باز زده است، حکومتی که تمام ارگان ها و مقاماتش غرق در فساد و دزدی و رشوه خواری و کثافت هستند، سودجویی

### علیه فاجعه سیل

شده است. این شبکه ها را باید گسترش داد، باید در برابر اقدامات حکومت برای ممانعت از کمک رسانی مردمی ایستاد و آنرا خنثی کرد، باید حکومت را مجبور کرد خسارات ناشی از سیل را

و جیپاول و بی تامینی و فقر و بیحقوقی که در جامعه بیداد میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای

جبران کند، و در دل این تجربه باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورائی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فجایعی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد

از صفحه ۱  
اسماعیل بخشی پرچم شوراها را برافراشت، از اداره هفت تپه بوسیله شورای کارگران سخن گفت و بدنبال آن اداره شورائی به گفتمان دانشجویان و فعالین جنبشهای اعتراضی تبدیل شد. تجربه سیل یکبار دیگر ضرورت و مطلوبیت اداره شورائی جامعه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. اگر مردم امور را در دست داشتند، حوادثی نظیر سیل اخیر در چنین ابعادی اتفاق نمی افتاد و چنین عوارض و عواقب دهشتناکی نمیداشت.

موجی که برای امدادرسانی به قربانیان سیل در جامعه به راه افتاده است، نمونه عملی متشکل شدن و فعال شدن ما مردم برای در دست گرفتن امور خود است. هم اکنون شبکه های امدادرسانی به سیل زدگان در سراسر کشور شکل گرفته و فعال

مفتخور حاکم، اداره کند.

زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان! سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد حکومت شورائی!

### #WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran



### زنده باد همبستگی مردم برای کمک رسانی به سیل زدگان!

موجی که برای امدادرسانی به قربانیان سیل در جامعه به راه افتاده است، نمونه عملی متشکل شدن و فعال شدن ما مردم برای در دست گرفتن امور خود است. هم اکنون شبکه های امدادرسانی به سیل زدگان در سراسر کشور شکل گرفته و فعال شده است. این شبکه ها را باید در برابر اقدامات حکومت برای ممانعت از کمک رسانی مردمی ایستاد و آنرا خنثی کرد، باید حکومت را مجبور کرد خسارات ناشی از سیل را جبران کند، و در دل این تجربه باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورائی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فجایعی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد و جیپاول و بی تامینی و فقر و بیحقوقی که در جامعه بیداد میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد حکومت شورائی!

## جمهوری اسلامی مسئول کلیه مصائب سیل است

حکومت و سازماندهی کمک رسانی به سیل زدگان پیشقدم شوند و همبستگی و اتحاد را در میان خود تحکیم کنند. هر درجه اتحاد و همبستگی، مردم را برای سرنگونی حکومت کثیف اسلامی آماده تر میکند.

مرگ بر  
جمهوری اسلامی

زنده باد انسانیت و  
همبستگی انسانی

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۶ فروردین ۱۳۹۸  
۲۵ مارس ۲۰۱۹

همنوعان خود شتافته و وقتی به ابلاغیه دادستان کشور نگذاشته اند. این همیاری ها را باید هرچه بیشتر سازمان داد و گسترش داد.

حزب کمونیست کارگری به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند صمیمانه تسلیت میگوید و کلیه کارگران، معلمان و دانشجویان، بازنشستگان و کلیه تشکل های مردمی را فرامیخواند که فعالانه برای سازماندهی اعتراض علیه

ارگان های دولتی تجمع کرد و خواهان رسیدگی فوری به سیل زدگان در سراسر کشور شد. باید حکومت را بخاطر جلوگیری از کمک های مردمی شدیداً محکوم کرد. باید خواست که کلیه خسارات مردم تماماً از خزانه دولت تامین شود. همزمان باید شبکه های همیاری در سراسر کشور را گسترش داد. فی الحال مردم در نقاط مختلف با اسکان دادن به آوارگان سیل و قرار دادن مواد خوراکی و پوشاک و غیره به یاری

عراق و افغانستان و سوریه و فلسطین کرده است، اما یک صدم اینها را صرف پیشگیری از خطرات و صرف رسیدگی به مشکلاتی که خود مسبب آن بوده است نکرده است. هنوز پس از شانزده ماه تعداد زیادی از زلزله زدگان سر پل ذهاب در چادر و کانکس زندگی میکنند و سیل مجدداً به همین به اصطلاح زندگی آنها آسیب رسانده است.

در سراسر کشور باید دست به اعتراض زد. باید در مقابل

درد و رنج و نگرانی مردم در استانهای مختلف کشور به مرز غیر قابل تحملی رسیده است. دهها نفر در استانهای شمالی و خوزستان و در شیراز و سر پل ذهاب جانشان را از دست داده اند. صدها نفر مجروح شده اند. هزاران خانه ویران شده، خودروهایی بسیاری از مردم از بین رفته و نگرانی از ادامه سیل و شکستن سدهای فرسوده و سایر مصائب سیل میلیون ها نفر را فراگرفته است. مشتی دزد و مفتخور در عرض چهل سال بجز تخریب محیط زیست و زندانی کردن فعالین محیط زیست، بجز لاقیدی و بی توجهی به طبیعت و جامعه، بجز جنگل خواری و سدسازی های غیرکارشناسانه، کاری نکرده اند. نه اقدام پیشگیرانه ای در مقابل سیل و زلزله انجام داده اند و نه بدنبال این حوادث کاری برای کاهش مشقات مردم کرده اند. مردم بدرست اوباش فاسد حاکم و نظام دزدسالار اسلامی و مقامات ریز و درشت آنرا مسئول همه بدبختی های خود میدانند.

مشکل عدم مدیریت نیست. مشکل بی توجهی این مقام و آن مقام نیست. مشکل مرخصی این استاندار و آن فرماندار نیست. این کل حکومت و نظام بیرحم و کثیف و رذل اسلامی است که عامل کلیه این مصائب است.

جمهوری اسلامی صدها میلیارد دلار صرف تکنولوژی اتمی و موشکی و جاسوسی علیه مردم کرده است، صدها میلیارد دلار صرف مساجد و امامزاده ها و مقبره خمینی و گله های آخوند و امام جماعت ها کرده است، صدها میلیارد دلار صرف سپاه و بسیج و سربازان بدنام امام زمان و یا صرف جریانات تروریست و مرتجع اسلامی در یمن و

#WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran

## جمهوری اسلامی مسئول کلیه مصائب سیل است



جمهوری اسلامی صدها میلیارد دلار صرف تکنولوژی اتمی و موشکی و جاسوسی علیه مردم کرده است، صدها میلیارد دلار صرف مساجد و امامزاده ها و مقبره خمینی و گله های آخوند و امام جماعت ها کرده است، صدها میلیارد دلار صرف سپاه و بسیج و سربازان بدنام امام زمان و یا صرف جریانات تروریست و مرتجع اسلامی در یمن و عراق و افغانستان و سوریه و فلسطین کرده است، اما یک صدم اینها را صرف پیشگیری از خطرات و صرف رسیدگی به مشکلاتی که خود مسبب آن بوده است نکرده است. هنوز پس از شانزده ماه تعداد زیادی از زلزله زدگان سر پل ذهاب در چادر و کانکس زندگی میکنند و سیل مجدداً به همین به اصطلاح زندگی آنها آسیب رسانده است.

## جایزه دفاع از آته ایسم در لندن به مینا احدی داده شد

روز ۲۳ مارس روز جهانی آته ایسم است. در یک کنفرانس بین المللی در شهر لندن که از طرف سازمان "یک قانون برای همه" و سازمان "اکس مسلم" سازمان داده شده بود، به شش نفر از چهره های سرشناس جهانی مدافع آته ایسم جوایزی داده شد. از جمله به - Ac Gerayling نویسنده سرشناس انگلیسی و Inna Shevchenko چهره سرشناس سازمان فمن و چند نفر دیگر و همچنین به مینا احدی از ایران. مینا احدی در سخنرانی خود از تجاربش در مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و اسلام سیاسی و اینکه حق دست کشیدن از مذهب یک حق انسانی است، صحبت کرد.

## کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۵۰ هزار یورو برای تامین نیازهای مالی ویژه ای که در این دوره حزب با آن روبروست، مجموعاً ۴۷۸۹۰ یورو جمع آوری شد. دوستان دیگری نیز تعهد به کمک داده اند که امیدواریم با کمک های آنها به سقف ۵۰ هزار یورو برسیم. صمیمانه از تمام عزیزانی که به این فراخوان پاسخ دادند قدردانی میکنیم و امیدواریم کلیه اعضا و دوستان حزب و همه آنها که قلبشان برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برای یک دنیای بهتر میطپد همچنان با کمک های خود و تشویق دوستان و آشنایانشان حزب را یاری دهند.

### لیست شماره ۵

شهلا خباززاده ۱۰۰ یورو  
بهرام سروش ۱۰۰ یورو  
کیوان جاوید ۱۰۰ یورو  
دوستی از تهران ۱۰۰۰ پوند  
آزاد خاده ۱۰۰۰ یورو  
محمد شکوهی ۵۰ یورو  
دوستاناران حزب از جنوب سوئد ۵۰۰۰ کرون  
بهجت مهرآبادی ۵۰۰ دلار  
علی از آمریکا ۶۰۰ دلار  
داریوش کاکا ۵۰ دلار  
گیتی موسوی ۷۰ دلار  
افشین مرادی ۱۵۰۰ دلار  
حسین احمدی رها ۶۵۰ دلار  
آلکس صبری ۵۰ دلار  
آراد تاجیک ۸۰ دلار  
از طریق عبدالله اسدی ۱۰۰۰۰ کرون  
بابک ۱۰۰ یورو  
احسان ۱۰۰ یورو  
علی از مالمو ۱۰۰۰ کرون  
سعید ویسی ۳۰۰ یورو  
کمیته فرانکفورت حزب ۱۰۰ یورو  
علی از یوتبری ۱۰۰۰۰ کرون  
کریم شامحمدی ۱۰۰۰ کرون  
کاوش مهران ۳۰۰۰ کرون  
مهین علیپور ۵۰۰ کرون  
ناصر شیشه گر ۵۰۰ کرون  
هوشیار ۵۰۰ کرون  
میلاد رسایی منش ۴۰۰ کرون  
نسترن منصوری ۱۵۰ کرون  
بهروز مهرآبادی ۱۰۰۰ کرون  
ناهد و علی ۱۰۰۰ کرون

جمع لیست پنج ۸۸۳۰ یورو  
جمع کل کمک ها ۴۷۸۹۰ یورو

## جنبش کارگری و پیشروی کمونیسم در ایران سخنران: شهلا دانشفر



یکشنبه ۳۱ مارس ۲۰۱۹ ساعت ۲ تا ۵ عصر

مکان: راوند هاوس کامیونیتی سنتر، اتاق مالتی میدیا

Roundhouse Mews, Vancouver, BC V6Z 2W3 181

تلفن تماس: 604 727 8986

حزب کمونیست کارگری، تشکیلات غرب کانادا

# پیش بسوی تشکیل شوراهای مستقل مردمی!